



## استاد ریحانی

## جلسه هفتم رشد با نگاه به منابع اسلامی

### نکات تکمیلی سن بلوغ

اگر بخواهیم روی نمودار سن بلوغ را حساب کنیم اول که تولد بعد از آن شش تا هفت سالگی کودک، یازده تا سیزده سالگی کودک، چهارده تا هجده سالگی هم نوجوانی و بلوغ را دربرمی گیرد. سه مرحله بلوغ داریم پیش از بلوغ، دوران بلوغ و پسا بلوغ. تغییرات در جنس و هیجانات اتفاق می افتد خیلی زود عصبانی یا خوشحال می شوند و برخوردشان با والدین و مربی و دیگران فرق دارد نقش مهم والدین در این دوره طلایی نمایان گر است و حمایت گری در این زمان است ماجراجویی و تنوع کتابخوانی زیاد است و سن تجربه گرایی است، چند سال پیش اطلاعاتی در مورد نوع و خطرات و آثار مواد از طریق وزارت کشور به نوجوانان و ابلاغ شد که اتفاقاً آن سال آمار ابتلا بالا رفت اگر در خانواده خلأ باشد نوجوان آلوده به روابط جنسی نافرمان و گرایش به مواد مخدر پیدا می کند، نبود دانش ارتباطی بحران درست می کند پس والدین نباید پیگردهای پلیسی داشته باشند چون باعث تثبیت رفتارهای نامناسب می شود و این سن را باید سن مبارک بلوغ نامید چون شخصیت نوجوان شکل می گیرد، مرحله منفی گرایی که حالت ضد گرایی نوجوان پیدا می کند در این سن است چهره شان نافرمان می شود و عدم تأیید می گیرند و که برون دادش تبدیل شدن به فردی منفی است تأیید محیط نسبت به شخصیت نوجوان خیلی مهم است، به طور مثال باز خورد مثبت باعث افزایش اعتماد به نفس او می شود و کم کم شکل گیری هویت را به دنبال دارد و مادر دلسوز در این دوران مانند یک ذره بین عمل می کند که خوبی ها را بزرگ کند و بعضی ها را کوچک نماید تا نوجوان فرد مثبتی تبدیل شود.

**دوران بلوغ به بلوغ جنسی:** که فرد قادر به ایفای نقش جنسی و بلوغ جسمی، **بلوغ روانی:** که پختگی روحی به انسان برای تشخیص مسائل می دهد. **بلوغ اقتصادی:** برای تعیین معاش فرد متکی به خودش است، **بلوغ شرعی:** شیعه برای دختران نه سالگی و برای پسران پانزده سالگی ولی اهل تسنن برای پسران هجده سالگی و برای دختران هفده سالگی را در نظر گرفته است. **ویژگی نوجوانی:** پرحادثه ترین سال های زندگی و تحولات جسمی و روانی است دوره انتقال برزخی است و تأثیرات دوره های قبل در خود را نشان می دهد تغییر در جسم و روح و شناخت اتفاق می افتد حیات عاطفی توسعه پیدا می کند و تغییر جسمی باعث بی ثباتی در رفتار و تغییر در الگوهای رفتاری او می شود مثلاً قبلاً با بچه های کوچک تر بازی می کرده ولی حالا تمایل دارند با پدرش کار بکنند دمدمی مزاج می شوند دائماً خطا می کنند و پوزش می خواهند و زمان جستجوی هویت است.

فریود روان تحلیل گری است که شخصیت و انگیزش و اختلالات روانی و منشأ و حقایق بزرگسالی را در کودکی می بیند و در کودکی هم گزینه جنسی را مسئله مهمی قلمداد می کند نظریه اش قابل نقد است ولی به روان شناسی کمک زیادی کرده است او روش های افراد برای مقابله با تمایلات جنسی و پرخاش گری را توضیح داده است او شخصیت را به سه جزء نهاد خود و فرا خود تقسیم می کند، **نهاد:** همان اولین عنصر شخصیت ساز انسان است و بی بدیل



است که در واقع مثل بچه‌ی نازپرورده و خواهان ارضای سریع غریزش است عنصری از نیازها و سائقه‌های زیستی مثل آب غذا و اجتناب از درد را تشکیل شده است ویژگی نهاد منبع غریزه‌ها و مخزن انرژی روانی است و در بخش ناهشیار قرار دارد مظهر اصل لذت است قانون نمی‌شناسد و از هیچ قاعده‌ای پیروی نمی‌کند و با رشد شخصیت من را به وجود می‌آورد طبق اصل واقعیت من عمل می‌کند و مجری شخصیت است و درخواست‌های نهاد را کنترل می‌کند و ارضای امیال نهاد را تا زمانی که موقعیت مناسب یافت شود به تعویق می‌اندازد و مقداری انرژی خود را صرف کنترل کردن نیروهای پرتوقع نهاد می‌کند. فرامن بیرون از من قرار دارد و هنگامی که کودک معیارهای اخلاقی والدین را کسب کند فراهم به وجود می‌آید برای کار درست پاداش می‌گیرد در مقابل کار اشتباه تنبیه می‌شود و فرامن با جذب این آموزش‌ها شکل می‌گیرد و از آن پس وظیفه‌های خود عمل می‌کند فرامن فعال من قوی‌تر را تشکیل می‌دهد و من قوی‌تر نهاد را کنترل می‌کند فرامن به دو جزء وجدان و من آرمانی تقسیم می‌شود از سه تا پنج سالگی فرامن از من به وجود می‌آید. **وجدان:** با احساس گناه انسان را تنبیه می‌کند کودک از تنبیه والدین بعد از انجام کار ناپسند در می‌یابد کار بدی کرده است و از انجام دوباره آن احساس گناه می‌کند و پدر با این کار او را با یک قانون آشنا می‌کند و جزئی از فرامن در وی شکل می‌گیرد. **من آرمانی یا ایده‌آل:** با احساس غرور به وی پاداش می‌دهد اگر اگر فرزند با کار خوب تشویق شد و خوشحال می‌شود من آرمانی او شکل می‌گیرد.

**سطوح آگاهی:** فروید سطوح آگاهی را به سه بخش هوشیار نیمه هوشیار و ناهشیار تقسیم و مقایسه می‌کند و آن را به کوه یخ شناوری تشبیه می‌کند که سطح ناهشیار بخش عظیمی از کوه یخ است که در زیر سطح آب قرار دارد و تکه بالای آن که بیرون از آب است هشیار است. **هشیار:** از هر چیزی که فرد در مقطع زمانی خاص آگاه است تشکیل شده است. **نیمه هشیار:** شامل مطالبی است که درست زیر سطح آگاهی قرار دارد و به راحتی می‌توانند بازیابی شوند و با سطح قبل ارتباط نزدیکی دارد. **ناهشیار:** مخزن امیال خاطرات افکار است کاملاً زیر سطح آگاهی هشیار است و تأثیر زیادی بر رفتار می‌گذارد مثل امیال جنسی سرکوب شده یعنی فرد به جای کنترل نیروی جنسی خود از راه تغذیه و یا کنترل آن در زمان ارضاء درست آن به خاطر اطلاعات غلط دیگران و نبود حیای درست این میل را سرکوب کرده است. رفتار پیامد یک رشته تعارض‌های درونی است و فروید نبرد بین نهاد و من و فرامن را یک امر طبیعی می‌داند. با شکل‌گیری فرامن کنترل خود جانشین کنترل والدین می‌شود یعنی اگر در پنج سالگی فرامن خوب شکل گرفته باشد و جامعه و اطرافیان خوب باشند و فرد دریافت‌های خوبی داشته باشد خود کنترلی جای کنترل دیگران می‌شود یعنی فرد در زمانی هم که والدینش حضور نداشته باشند خیابان یک طرفه را نمی‌رود و قوانین را رعایت می‌کند. در یک فرد طبیعی سه نظام باید به صورت یک سازمان واحد عمل کنند اگر یکی از این سه نظام بیشتر قدرت یابد نظام‌های دیگر آسیب می‌بینند. فروید نهاد را جزء زیستی شخصیت و من را جزء روانی شخصیت و فرامن را جزء اجتماعی شخصیت می‌داند نکته دیگر این که نهاد در ناهشیار است و فعالیت‌های من و فرامن در هر سه سطح قرار دارد.